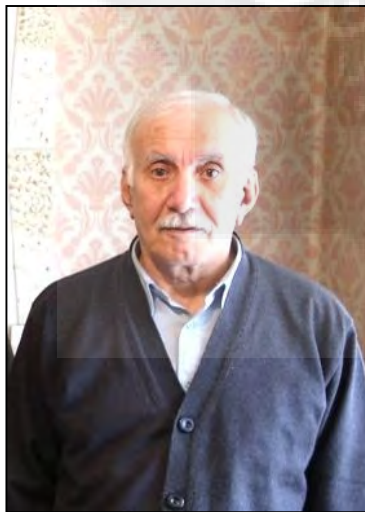




## مصاحبه با پرویز اذکائی

مصاحبه کننده: محمد باقری<sup>۱</sup>

اشاره: پرویز اذکائی از پژوهشگران پرکار و خودساخته‌ای است که حوزه وسیع پژوهش‌ها و انتشاراتش تاریخ علم را هم شامل می‌شود. با هماهنگی قبلی، در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۹۶ دیدار و گفتگویی با ایشان در کتابخانه مرکزی همدان انجام شد. اذکائی در یک اقدام تحسین برانگیز کتابخانه غنی و پرارزش خود را به کتابخانه مرکزی همدان وقف کرده است. این مجموعه کم نظیر در سالن ویژه‌ای به نام خود ایشان نگهداری می‌شود. درخشش دیدگان و لحن جدی و در عین حال مهربان و طنز آلودش حاکی از استغنا و رضایتی درونی است که فراز و نشیب‌ها، بیم و امیدها و بی‌مهری‌ها و ناسپاسی‌ها نتوانسته است خدشه‌دارش کند. متن مصاحبه با حذف مطالب فرعی و با اندکی تلخیص در زیر می‌آید.



پرویز اذکائی

### علت گرایش به تاریخ علم

یک وقتی می‌گفتند فلسفه «ام العلوم» است ولی از قرن نوزدهم به بعد رفته رفته تاریخ «ام العلوم» شد؛ به علت اینکه پدیده‌های علمی که به منصفه ظهور می‌رسند و فرایندهایی که به نتیجه می‌رسند هر کدام سابقه‌ای داشته‌اند و گذشته‌ای بر آن‌ها مترتب بوده است. بررسی آن گذشته‌ها و مطالعه درباره گذشته‌های علوم و سیر تحول و تکاملشان جزو علوم تاریخی به حساب می‌آید؛ یعنی با تاریخ سروکار دارد. هر چیز که مربوط به گذشته شود با تاریخ سروکار دارد. من طلبه تاریخ بودم و تاریخ تنها روایتگر تاریخ سیاسی و تاریخ خاندان‌ها و رجال و

۱. سردبیر مجله میراث علمی، mohammad.bagheri2006@gmail.com



تابلو سالن ادکایی کتابخانه مرکزی همدان

وقایع ایام گذشته نبود و در دل آن وقایع، جریانات علمی و فنی هم بود. در میان آن رجال تاریخ گذشته، رجال علم هم بودند. دلیل گرایش من به این رشته هم این بوده است که تاریخ به طور کلی اشراف دارد و ام العلوم می‌داندش زیر اهر پدیده‌ای تاریخی دارد.

زمانی بود که فلسفه این سمت و

حیثیت را داشت، ولی الان تاریخ ام العلوم است که انسان و طبیعت را مطالعه می‌کند. هیچ پدیده علمی‌ای نیست که مسبوق به سابقه‌ای نباشد و این سابقه تحت عنوان تاریخ آن پدیده، تاریخ آن علم درمی‌آید. کما اینکه رشته‌ای علمی مثل شیمی چنان که می‌دانید خلف صدق کیمیاست که از علوم غریبه بوده است، همچون سیمیا و ریمیا و هیمیا. اما امروزه جزو خرافات و موهومات است. سیر تاریخی شیمی را که بررسی کنید می‌رسید به همان کیمیا.

وقتی می‌گوییم تاریخ، برای اکثر مردم تاریخ سیاسی رجال و خاندان‌ها و کشتارها و متأسفانه تاریخ خونبار بشری در نظر مجسم می‌شود. حال آنکه این طور نیست. تلاش‌های علمی هم جزو همین فرایندهای تاریخی است.

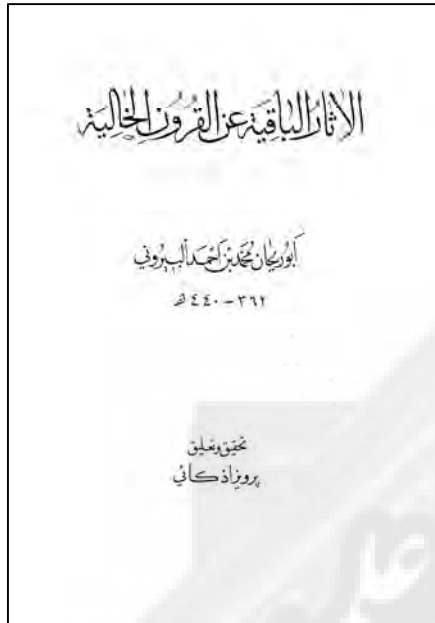
### وضع تاریخ علم در ایران امروز

در یک کلمه وضع را خوب می‌بینم. نمونه‌اش همین نشریه میراث علمی و کارهای دیگری که از جمله دکتر معصومی همدانی انجام داده‌اند. به نظر می‌آید که وضع نسبت به چند سال پیش پیشرفت کرده و بهتر شده است و بهتر هم خواهد شد.

### توصیه‌ها برای نسل جدید

درست است که گفتم در تاریخ علم پیشرفت حاصل شده است و کسانی در این رشته تلاش و کوششی در حد جهاد انجام می‌دهند. اما اگر نخواهید که مجامله کنم یا دروغ بگویم، به نظر می‌رسد شما چند نفر (از جمله دکتر معصومی) بقیة الماضیین هستید. اما در سطح کلی، در مورد جوانان، حالا دنیای دیگری شده و چشمم زیاد آب نمی‌خورد. ما تلاش خودمان را می‌کنیم. ما از نسلی هستیم که در این راه افتادیم و «از بد حادثه اینجا به پناه آمده‌ایم!». ولی نمی‌توانیم برای دیگران نسخه پیچی کنیم و به جوانان توصیه کنیم، به قول قدیمی‌ها بیابند علم بیاموزند، دود چراغ





بخورند، عربی یاد بگیرند تا مواد و مصالح تاریخ علم ما را تحقیق و تتبع و به جامعه عرضه کنند. همین قدر که فعلاً پژوهشگرده‌ای برای تاریخ علم هست، خوب است.

#### نقش دانشگاه‌ها در پرورش مورخان علم

دانشگاه‌ها محقق و عالم تربیت نمی‌کنند. اشخاص به صرافت طبع و به صورت خود خواسته بار می‌آیند و رفته رفته از وسایل موجود استفاده می‌کنند. قبلاً کتاب بود و امروزه وسایل و ابزار مجازی هست که از آن بهره می‌برند. اول باید دید محقق کیست. کار محقق جستجوی حقیقت است. محققان دغدغه‌ای دارند که می‌خواهند چیزی را بفهمند و کشف کنند؛ خودشان در درجه

اول بفهمند و بعد به دیگران منتقل کنند. با این کار ممارستی ایجاد می‌شود که در نتیجه آن گاهی محققانی بار می‌آیند. دانشگاه حداکثر می‌تواند راه و روش‌های تحقیق را عرضه و لوازم آن را فراهم کند. اینکه گفته‌اند:

شاعری طبع روان می‌خواهد

نه معانی نه بیان می‌خواهد

تحقیق هم آن طبع روان و آن صرافت طبع را می‌خواهد. معانی و بیان را دانشگاه می‌تواند عرضه کند.

آن شعله درونی را چگونه می‌توان به نسل بعدی منتقل کرد؟

ما نمی‌دانیم چه خواهد شد، ولی طبق آنچه تاریخ می‌آموزد، محتاج تغییراتی بنیادی هستیم تا شرایطی فراهم شود که افراد به این مسائل بپردازند؛ وگرنه

امروزه چنان که شاهدید ظواهر زندگی و رفاه مادی و تعیشت و انتعاشات بیشتر برای افراد



اهمیت دارد تا تاریخ علم که مثلاً بخواهند ببینند خواجه نصیرالدین طوسی چه گفته، ابوریحان بیرونی چه گفته یا عمر خیام چه معادلاتی آورده است. ما نمی‌توانیم آرزوهای خودمان را القا و تحمیل کنیم. شاید مدرسان بتوانند تا جایی که ممکن است به دانشجویان بگویند و آتش درونی آن‌ها را تیز کنند.

### کار ترجمه فارسی قانون مسعودی به کجا کشید؟

القانون المسعودی شاهکار نجومی بیرونی و متضمن زیج اوست. در واقع بیرونی مجموع داده‌ها و اکتشافات در زیج‌های مختلف از عهد بطلمیوس تا زمان خودش را جمع کرده و کتاب جامعی فراهم آورده است. همان طور که می‌گویند کتاب قانون ابن سینا کتابی جامع از آثار پیشین است. ظاهراً بیرونی هم به این کلمه القانون ابن سینا نظر داشته است. او در طب، این در نجوم. می‌دانید که در گذشته دو علم طب و نجوم در کنار هم سرآمد علوم بودند. بیرونی در قانون مسعودی غیر از آنچه از زیج‌ها نقل کرده، کشفیات خودش در آثار دیگر مثل تحدید نهایات الاماکن و افراد المقال فی امر الظلال و قضایای مثلثات کروی را هم جمع کرده و زیج جامعی شامل مبادی تاریخ‌ها آورده که در آثار الباقیه‌اش هم آن‌ها را ذکر کرده است.

بیرونی به کتاب‌هایی دسترسی داشته که امروزه موجود نیست. علاوه بر کتاب‌های ترجمه شده به عربی یا سریانی، کتاب‌هایی به یونانی هم بود. مثال برجسته‌اش تاریخ اسیبوس که تاریخ مسیحیت یا تاریخ کلیسا بود که امروز باقی نمانده ولی بیرونی متن یونانی آن را در دسترس داشته است. این مجموعه شش جلدی علاوه بر تاریخ کلیسا شامل تواریخ عام هم بود که بیرونی همه این‌ها را ملخصاً آورده است. یکی دیگر تاریخ بروسوس پژوهشگر یونانی قرن سوم پیش از میلاد بود که با سلوکی‌ها (جانشینان اسکندر) به بابل رفت و دین بابلی را پذیرفت و خود یکی از کاهنان بابل شد. او تاریخی به نام تاریخ بابل نوشت و منابعش به خط میخی بود که تا قرن پیش قرائت نشده بود. بروسوس این‌ها را خوانده و فهرست سلاطین و حاکمان را ذکر کرده است. زیج نگاران و مورخان از جمله بطلمیوس و اسیبوس از این تاریخ‌ها استفاده کردند. بیرونی به آثار این دو دسترسی داشت و در قانون مسعودی برای مبادی تاریخ و فهرست شاهان و سلاطین و سلاله‌ها از آن‌ها استفاده کرده است. شرق‌شناسان، ایران‌شناسان و زیج‌شناسان اروپایی هم مقاله‌های ممتعی در این باره نوشته‌اند. تواریخ دوره اسلامی مثلاً تاریخ طبری یا تاریخ دینوری که از قدیمی‌ترین تواریخ هستند هیچ کدام سلاله‌های ایران باستان را ذکر نکرده‌اند. اما بیرونی تواریخ دوره هخامنشی را به ترتیب آورده، چون زبان یونانی می‌دانسته و از آن منابع که عرض کردم استفاده کرده است.



## ابوریحان بیرونی

(افکار و آراء)

تألیف: پرویز اذکانی

قانون مسعودی شامل یازده مقاله است که مقاله چهارم فقط مثلثات کروی است که برای تعیین مسافتات و اوساط نجومی و مواضع کواکب تا آخر کتاب به کار می‌رود. کارل شوی و دیوید پینگری بیشتر از دیگران درباره این مقاله کار کرده‌اند.

ترجمه فارسی قانون مسعودی پیشنهاد مرحوم همایون صنعتی‌زاده بود که علاقه زیادی به نجوم داشت. پس از دیدن آثار الباقیه من به ایرج افشار گفت که مایل به این کار است و از موقوفات خودش قراردادی با من بستند که قانون مسعودی را به فارسی ترجمه و منتشر کنم. قانون مسعودی که من دارم چاپ دایرةالمعارف عثمانیه (حیدرآباد هند) است که مثل بقیه کارهایشان از

مغلوپترین کتاب‌هایی است که در دنیا چاپ شده است. تنها صورالکواکب صوفی که والتر وینتر ویراستارش بود و تحقیق ماللهند که از چاپ زاخانو استفاده کردند این وضع را ندارد.

من نسخه خطی از قانون مسعودی در اختیار نداشتم و باید متن عربی را اول کلمه به کلمه و سطر به سطر تصحیح و سپس ترجمه می‌کردم. این کار برایم خیلی کشنده بود. به مقاله چهارم (درباره مثلثات کروی) که رسیدم دیگر به کلی خسته و زده شدم. شما می‌دانید خواندن آثاری مثل قانون مسعودی، افراد المقال فی امر الظلال، تمهید المستقر فی معنی الممر و مانند اینها کار آسانی نیست زیرا اینها کتاب‌هایی بسیار تخصصی هستند. بعد کلاه خودم را قاضی کردم که خوب [وقتی کار تمام شود] چند نفر در دنیا این‌ها را می‌خوانند. [در غرب] چند نفر بودند مثل پینگری و کندی که آن‌ها هم مرحوم شدند. واقعاً دیگر کسی نمانده است. این نسل جدید خاورشناسان که در تاریخ علم کار می‌کنند، گمان نمی‌کنم - الا قلیلی - بتوانند این‌ها را بخوانند. آن‌ها هم بقایای نسل گذشته‌اند. در این مرحله آقای صنعتی گفت تصویر قدیمی‌ترین نسخه قانون مسعودی را که در لندن است و نسخه بی‌غلطی است برایت تهیه می‌کنم و می‌فرستم و رفت که بفرستد.

در این فاصله مشغول نگارش کتاب حکیم رازی شدم. در پاسخ اعتراض آقای صنعتی هم به او نوشتم که این کار پرزحمتی است و ترجمه عادی نیست. وقتی هم که ترجمه شود با احتساب خودش پنج نفر خواننده دارد. ولی حکیم رازی پرخواننده بود. اما آقای صنعتی‌زاده از این وضع شاکی بود. مرحوم ایرج افشار طبق روال سالانه‌اش به همدمان آمد و سری به من زد. عادتش این بود که ساعت پنج صبح بیدار می‌شد و همان توی رخت‌خواب سفرنامه‌هایش را می‌نوشت. یک روز ساعت پنج صبح



آخوند ملاعلی معصومی همدانی



دستنوشته نامام کتاب رازی را به او دادم و گفتم از هر جایش که می‌خواهی بخوان. در اتاق را بستم و رفتم. نیم ساعت - سه ربع بعد که به اتاق رفتم گفت حق با توست، جواب صنعتی با من. این واجب است.

این مقاله‌های آماده از قانون مسعودی حروفچینی شده و نمونه‌اش پیش من هست. وقتی این طور شد آقای افشار از صنعتی زاده تقاضای تمدید مهلت کرد. طی این مهلت مرحوم صنعتی نامه نوشت به دانشگاه کرمان و کار کتاب را به آن‌ها واگذار کرد و گفت بعد از این طرف شما دانشگاه کرمان است و دانشگاه کرمان هم دیگر پیگیری نکرد. مجله مطالعات ایرانی آن‌ها بیشتر در حوزه زبان‌شناسی و اساطیر است، نه این نوع مطالب. تا حال ترجمه فارسی سه مقاله اول در حدود ۳۷۰-۳۸۰ صفحه حروفچینی شده که همین طور مانده است. یک فصلش را در باب «صفت دوایر سماوی» در نشریه دانش و مردم که مرحوم شهریاری منتشر می‌کرد، چاپ کردم. داستان ترجمه فارسی مسعودی را در مقاله‌ای نوشته‌ام. نمونه چاپی که دو بار تصحیح کرده‌ام و ظاهراً هنوز نهایی نیست، پیش من است. تعلیقات مفصلی هم دارد که باید به آن افزوده شود. الان مرتباً با یک همکار جوان مشغول طبقه‌بندی یادداشت‌هایم هستیم که ۴۰-۵۰ کارتن می‌شود.

چه کسانی در زندگی و راهی که در پیش گرفتید مؤثر بودند؟

سه نفر: پدرم، ایرج افشار و مرحوم آخوند ملاعلی

همدانی (پدر دکتر حسین معصومی همدانی، ۱۳۱۲ق/۱۲۷۲ش - ۱۳۹۸ق/۱۳۵۷ش). پدرم مدرک دانشسرا داشت و دبیر ریاضی بود. ایرج افشار هم که معرف حضور هست. من مقاله‌ای در یکی از روزنامه‌های همدان درباره عین القضاة همدانی نوشته بودم که مورد توجه آقای آخوند قرار گرفت و به پدرم که به ایشان ارادتی داشت و خدمت ایشان می‌رفت گفت که چقدر خوب بود ایشان





را زیارت می‌کردیم. من که آن وقت (سال ۱۳۳۹) جوان ۲۱ ساله‌ای بودم خدمتشان رفتم. از من خواستند عضو هیئت تحریریه مجله‌ای به نام پیک اسلام بشوم که قرار بود ارگان حوزه علمی غرب (مدرسه آقای آخوند) باشد که پذیرفتم. بعد هم به عنوان سردبیر مجله برای چاپ آن مرتباً به تهران سفر می‌کردم. در همین سفرها با بسیاری از بزرگان شعر و ادب و اهل مطبوعات آشنا شدم و سری توی سرها در آوردم.

مجله ماهانه پیک اسلام شش شماره‌اش چاپ شد که در قضایای ۱۵ خرداد حوزه‌های علمیه را تعطیل کردند. در آن فاصله آقای آخوند کلاس فلسفه تشکیل داده بودند و اسفار تدریس می‌کردند. مرحوم مفتاح هم از شاگردان ایشان بود. فضایل آقای آخوند ملاعلی همدانی لاتعد و لاتحصی بود و شریعت سهله و سمحه که می‌گویند در وجود مقدس ایشان تبلور پیدا کرده بود. من مرتباً خدمت ایشان می‌رفتم و گزارش کار مجله را می‌دادم.



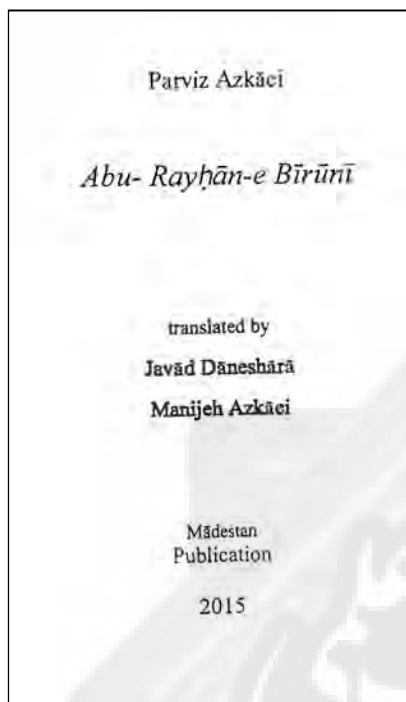
راجع به کارهایتان در تاریخ علم بگویید.

مقالات تاریخ علم من جداگانه فهرست شده است (در کتاب ماتیکان<sup>۱</sup>). یک تاریخ طب مفصل هم نوشته‌ام به نام پزشکی در ایران باستان که منتشر نشده است. قرار شد دو جلد کتاب فهرست ماقبل الفهرست با افزوده‌هایی یکجا در مشهد چاپ شود که الان مشغول استفاده از فیش‌ها هستیم.

درباره مراحل تحصیلی‌تان بگویید.

پدرم در چند دبیرستان در همدان از جمله اتحاد آلیانس درس می‌داد و در ریاضیات متفرد بود. من در آنجا درس خواندم. هفته‌ای دو روز تعطیل بود. آنجا به

۱. این فهرست مقالات در پایان مصاحبه حاضر به دنبال فهرست کتاب‌ها آمده است.



ما فرانسه و عبری یاد می‌دادند که بعدها برایم خیلی مفید واقع شد. بعد به دبیرستان پهلوی سابق (امام خمینی) رفتم. در دانشگاه هم در رشته تاریخ (دانشکده ادبیات) تحصیل کردم. وقتی در وزارت فرهنگ شاغل بودم، در کنگره ابوریحان بیرونی که از طرف مرکز مردم‌شناسی وزارت فرهنگ در سال ۱۳۵۳ برگزار شد شرکت کردم و دو کتاب از من ارائه شد: ترجمه کارنامه بیرونی اثر بوالو و زندگینامه بیرونی اثر الشّابی در این کنگره پروفیسور ادوارد گرانویل بویل مورخ برجسته تاریخ مغول هم شرکت داشت و با دیدن آثارم فی المجلس به من پذیرش داد که در نتیجه توانستم به دانشگاه منچستر بروم و سه سال و نیم در رشته ایران‌شناسی تحصیل کنم. مقارن زمان انقلاب به ایران برگشتم و در دانشگاه بوعلی همدان شاغل شدم.



### فهرست کتاب‌ها در حوزه تاریخ علم

۱. فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای ملی <بخشی از آن‌ها، و از مؤلفان>، جلد ۱۱ به بعد، ۱۳۴۵-...؛
۲. زندگی‌نامه بیرونی <ترجمه کتاب> دکتر علی الشّابی، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مردم‌شناسی (وزارت فرهنگ)، ۱۳۵۲؛
۳. نوروز (تاریخ و کتابنامه)، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مردم‌شناسی (وزارت فرهنگ)، آبان‌ماه ۱۳۵۲؛
۴. کارنامه بیرونی (کتابشناسی و فهرست آثار) <ترجمه و تألیف بر اساس> فهرست بیرونی (عربی)- فهرست بوالو (فرانسه)، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مردم‌شناسی (وزارت فرهنگ)، آبان‌ماه ۱۳۵۳؛
۵. فهرست نسخه‌های خطی چند کتابکده خصوصی همدان، (در) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های رشت و همدان، تهران، انجمن آثار ملی/ فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۵۳، ص ۱۶۵۹-۱۷۱۶؛



۶. ابوریحان بیرونی (آراء و افکار)، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۴، چاپ چهارم، ۱۳۹۰؛<sup>۱</sup>
۷. فهرست ماقبل الفهرست (آثار ایرانی پیش از اسلام)، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ج ۱ (۱۳۷۵) و ج ۲: پزشکی در ایران باستان (۱۳۷۸)؛
۸. الآثار الباقیه عن القرون الخالیه (ابوریحان بیرونی)، تحقق و تعلیق پرویز اذکائی، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۰، (لا+۹۰۰ص)؛
۹. همدان‌نامه (بیست گفتار دربارهٔ مادستان)، همدان، نشر مادستان، ۱۳۸۰؛
۱۰. طب روحانی (رساله در روانشناسی اخلاق) حکیم محمد بن زکریای رازی، وانوشت پارسی: پرویز اذکائی، تهران، اهل قلم، بهار ۱۳۸۱؛
۱۱. حکیم رازی (حکمت طبیعی و نظام فلسفی)، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲، چاپ دوم، ۱۳۸۴؛
۱۲. غمام و نثری (مشاهیر همدان، ش ۱)، همدان، نشر نازلی، ۱۳۸۳؛
۱۳. ماتیکان علمی (سی گفتار دربارهٔ تاریخ علم)، مادستان، ۱۳۸۸؛
۱۴. فهرست توصیفی نسخه‌های خطی در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه بوعلی سینا، ج ۱، همدان ۱۳۸۷/۱۳۷۰؛
۱۵. پزشکی در ایران باستان (تاریخ- اطباء- آثار)، تهران، مرکز تحقیقات طب سنتی ایران، ۱۳۹۱؛
۱۶. فهرست توصیفی نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه بوعلی سینا- همدان (در) اوراق عتیق (مجموعهٔ مطالعات متن‌پژوهی)، به کوشش سید محمدحسین حکیم، تهران، کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، دفتر سوم، ۱۳۹۲، ص ۲۸۹-۴۳۲؛
۱۷. آثار باقیه، ابوریحان بیرونی، ترجمه و تعلیق پرویز سپیتمان (اذکائی)، تهران، نشر نی، ۱۳۹۲.

### فهرست مقاله‌ها در حوزهٔ تاریخ علم

۱. نظری به تاریخ طب؛
۲. سینا، ابقرط ایران؛
۳. مکتب پزشکی سینائی؛
۴. نوشته‌های کهن فارسی (در باب تشریح)؛
۵. میرزا نصرت قوچانی طبیب؛
۶. چاهه ستاره‌شناسی؛

۱. این اثر را منیژه اذکائی و جواد دانش‌آرا به انگلیسی ترجمه کرده‌اند. متن کامل این ترجمه در اینترنت به لطف یان پ. هوخندایک در نشانی‌های زیر قابل دسترسی است:

۷. تیشتریه = شعرای یمانی؛
۸. قُبَّة الأرض ایرانی؛
۹. اَسْطُرلاب / اَصْطُرلاب؛
۱۰. احکام نجوم (= اخترگویی)؛
۱۱. اودوکسوس کنیدوسی؛
۱۲. ابومعشر بلخی؛
۱۳. ابوریحان بیرونی؛
۱۴. الآثار الباقیه (عن القرون الخالیه)؛
۱۵. التحدید ... و التفهیم (بیرونی)؛
۱۶. تحقیق ماللهند؛
۱۷. قانون مسعودی؛
۱۸. صفت دوایر سماوی (بیرونی)؛
۱۹. بیرونی و ابزار ستاره‌شناسی؛
۲۰. بیرونی از دیدگاه مردم‌شناسی؛
۲۱. بیرونی و طوسی؛
۲۲. علم الحیل و فنون آن؛
۲۳. جرّ اَنقال (= گرانکش)؛
۲۴. خواص اشکال و اَوفاق؛
۲۵. خواص الاشیاء؛
۲۶. خواص الحروف؛
۲۷. خواص الحیوان.

